

## تعیین معادل تعرفه‌ای واردات محصولات صنعت فولاد ایران

زهرا عباسی<sup>۱</sup> میرعبدالله حسینی<sup>۲</sup>

پذیرش: ۹۰/۱۲/۱۷

دریافت: ۹۰/۲/۴

تعرفه / واردات / فولاد

### چکیده

مقاله حاضر ضمن مطالعه سیاست تجاری صنعت فولاد ایران، با استفاده از روش تحقیق مورد استفاده در مذاکرات تجاری نظام چندجانبه تجاری (GATT/WTO) برای محصولات صنعت فولاد در دوره زمانی ۸۸-۱۳۷۶، به برآورد معادل تعرفه‌ای جایگزین موانع و محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد جز در مورد محصول شمش و تیر آهن، حمایت تجاری سایر محصولات در این دوره رو به کاهش است. متوسط معادل‌های تعرفه‌ای، دامنه‌ای گسترده از ۱۳- تا ۲۷ را در بر می‌گیرد. در مورد تمام محصولات حداقل حمایت تجاری در سال ۱۳۷۷ یا ۱۳۷۸ و حداکثر حمایت تجاری نیز در دهه ۱۳۸۰ اتفاق افتاده است. در تمام موارد قیمت داخلی روندی رو به افزایش دارد. روند قیمت سیف وارداتی تقریباً در تمام موارد رو به افزایش است. برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای مثبت و بیش از تعرفه اسمی است، نرخ تعرفه وارداتی برای این محصولات همان نرخ تعرفه معادل محاسباتی است که برای واردات شمش (۶۱ درصد)، اسلب و بیلت (۴ درصد)، ورق گرم (۱۵ درصد) و تیر آهن (۲۰ درصد) است. برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای شان مثبت و اما کم‌تر از کل تعرفه اسمی است (که در واقع برای این محصولات موانع تجاری غیر تعرفه‌ای نقش حمایتی نداشته است)، نرخ تعرفه همان نرخ تعرفه اسمی است که برای ورق سرد (۴ و ۱۰) و میلگرد (۱۰ و ۱۵) است.

### طبقه‌بندی JEL: F14, F13

zabbasi57@gmail.com

@gmail.com hosseini.mir2010

۱. پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

۲. عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

■ زهرا عباسی، مسئول مکاتبات.

## مقدمه

فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت اساساً یک فرایند مذاکره‌ای است. هر کشور یا قلمرو گمرکی می‌تواند طبق شرایطی که با سازمان توافق کرده است، به آن ملحق شود. این کار ضمن مذاکراتی انجام می‌شود که در آن، کشورها تعهداتی برای کاهش و درنهایت تثبیت تعرفه‌ها می‌پذیرند تا دسترسی به کالاها را هموارتر سازند. توصیف شرایط دسترسی به بازار هر کشور در کالاهای صنعتی در محتوای جدول امتیازات تعرفه‌ای متمرکز می‌شود. مذاکرات دوجانبه درباره جدول امتیازات و تعهدات کالایی با طرح پیشنهادی اعضای ذینفع یا متقاضی به‌عنوان مبنای مذاکرات جریان می‌یابد. درنهایت، پس از توافق نهایی و تثبیت تعرفه یک گروه کالایی، انتظار اعضا این است که این تعرفه تثبیت شده از نظر تجاری پایدار بوده و غیرقابل تغییر تلقی شود.

محصولات فولادی از محصولاتی است که انتظار می‌رود به دلیل جایگاه و اهمیت آن‌ها در تجارت خارجی، در راستای تعیین نرخ تعرفه تثبیت شده آن‌ها در جریان الحاق به سازمان جهانی تجارت بحث و تبادل نظرهای اساسی صورت گیرد. جالب توجه آن که هم‌اکنون، مصرف فولاد کشور بیش از ۲۰ میلیون تن در سال است که مطابق آن، رقم واردات فولاد در سال ۱۳۸۷، ۱۱/۵۹ میلیون تن، معادل ۵۷/۵ درصد مصرف کشور است. البته میزان صادرات فولاد برابر ۱/۳۶ میلیون تن بوده و برآورد می‌شود تولید داخلی فولاد رقمی معادل ۱۰ میلیون تن بوده است.

در راستای برنامه‌ریزی مناسب برای صنعت فولاد، تعیین تعرفه تثبیت شده آن نیازمند مطالعات پیش‌نیازی نظیر شناخت موانع غیرتعرفه‌ای و تعیین معادل‌های تعرفه‌ای محصولات صنعت فولاد است. در این مقاله ضمن بررسی سیاست تجاری و موانع تجاری غیرتعرفه‌ای محصولات فولادی منتخب، معادل‌های تعرفه‌ای آن‌ها محاسبه شده و نکات اصلی لازم برای تعیین تعرفه تثبیت شده محصولات عنوان شده است.

## ۱. مباحث نظری

با وجودی که تجارت آزاد رفاه جهانی را حداکثر می‌کند و دلایل محکمی بر له

برقراری تجارت آزاد ارائه شده، باز هم بسیاری از کشورها، انواع محدودیت‌های تجاری<sup>۱</sup> را وضع کرده و اعمال موانع تجاری همانند قبل در جهان معمول و رایج است. در مقابل دلایل مدافعان تجارت آزاد، دلایل متعددی نظیر حمایت از صنایع نوزاد (نوپا)، منشا درآمد برای دولت، بهبود رابطه مبادله تجاری، مبارزه با قیمت‌شکنی<sup>۲</sup>، امنیت ملی، تراز پرداخت‌ها و حمایت از تولید مواد غذایی اساسی، از سوی طرفداران حمایت‌گرایی تجاری ارائه شده است. تجزیه و تحلیل تعادل جزئی وضع تعرفه با استفاده از منحنی‌های عرضه و تقاضای کالای جانشین واردات انجام می‌شود، با این فرض که قیمت داخلی این کالا در اثر وضع تعرفه افزایش یابد. با تحلیل تعادل جزئی می‌توان اثر وضع تعرفه بر کاهش مصرف داخلی، افزایش تولید داخلی، کاهش واردات، افزایش درآمد گمرکی دولت و بازتوزیع درآمد بین مصرف‌کنندگان داخلی و تولیدکنندگان داخلی را بررسی کرد. وضع تعرفه به بروز عدم کارایی‌هایی منجر می‌شود که از آن تحت نام «هزینه حمایتی تعرفه» یا «هزینه‌های سوخت‌شده» و یا «زیان از دست‌رفته»<sup>۳</sup> یاد می‌شود.

وقتی یک کشور کوچک بر واردات تعرفه وضع می‌کند، قیمت داخلی کالای جانشین واردات برای مصرف‌کننده آن کشور به اندازه مقدار تعرفه افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، تولید داخلی کالاهای جانشین واردات افزایش یافته و مصرف داخلی و واردات کاهش می‌یابد. به هر حال، کشور با همان قیمت قبلی در بازارهای جهانی مواجه است؛ زیرا کشور وضع‌کننده تعرفه درآمدهای حاصله را دریافت می‌کند. آثار مربوط به اثرات تعادل عمومی تعرفه را می‌توان با گسترش الگوهای تجارت و با این فرض که درآمد جمع‌آوری شده از محل تعرفه، مجدداً به صورت یارانه یا معافیت مالیاتی بین شهروندان توزیع می‌شود، بررسی کرد. معیار مناسب جهت اندازه‌گیری درجه حمایت از تولیدکنندگان داخلی، نرخ تعرفه مؤثر حمایتی است که تأثیر کلی ساختار تعرفه‌ای بر هر صنعت در کشور را اندازه‌گیری می‌کند. «تخصیص منابع» از موارد مهم استفاده نرخ تعرفه مؤثر است که سبب می‌شود منابع از صنایع با نرخ حمایت مؤثر کم به صنایع با نرخ مؤثر بالا انتقال یابد؛ نرخ تعرفه مؤثر حمایتی با نرخ

۱. محدودیت‌های تجاری به‌طور کلی شامل محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است. تعرفه مهم‌ترین نوع محدودیت تجاری است.

2. Dumping.

3. Dead Weight Loss.

تعرفه اسمی تفاوت بسیار زیادی دارد و نرخ تعرفه اسمی نمی‌تواند نشانگر سطح حمایت از تولیدات و تولیدکننده باشد؛ درحالی‌که نرخ تعرفه مؤثر از چنین قابلیت‌برخورداری است. در محدودیت‌های تجاری غیرتعرفه‌ای<sup>۱</sup> - به‌ویژه محدودیت‌های سهمیه‌ای - به‌جای آن‌که دولت مستقیماً بر کالاهای وارداتی تعرفه وضع کند، در مقدار آن‌ها محدودیت ایجاد می‌کند. سهمیه‌بندی واردات، همان آثار مصرفی و تولیدی تعرفه گمرکی بر واردات را دارد. چنانچه دولت از طریق یک بازار رقابتی توزیع «مجوزهای واردات» را به حراج گذارد، اثر درآمدمد سهمیه‌بندی مشابه آثار تعرفه گمرکی است. منحنی‌های عرضه و تقاضا با وضع سهمیه واردات انتقال یافته و قیمت داخلی تغییر می‌کند؛ ولی با وضع تعرفه، مقدار واردات تغییر خواهد کرد. اگر دولت مجوزهای واردات را در یک بازار رقابتی به حراج نگذارد، بنگاه‌های دریافت‌کننده چنین مجوزهایی، یک سود انحصاری به‌دست می‌آورند و زمینه ایجاد فساد در جامعه مهیا می‌شود.

والتر (۱۹۷۲) در تعریفی گسترده هر اقدامی را موجب مختل شدن حجم و جهت تجارت شود را مانع غیرتعرفه‌ای می‌نامد.<sup>۲</sup> این تعریف به‌قدری گسترده است که حتی تعرفه را نیز در بر می‌گیرد، زیرا تعرفه نیز حجم تجارت را مختل می‌سازد. بدون شک چنین تعریفی از موانع غیرتعرفه‌ای، مورد نظر طرف‌های مذاکره‌کننده نظام تجاری چندجانبه از جمله دور اوروگوئه نبوده است. بالدوین (۱۹۷۰) در تعریف دقیق‌تری، توجه خود را به درآمد حقیقی معطوف می‌کند. او مانع غیرتعرفه‌ای را چنین تعریف می‌کند: «هر اقدامی که با تخصیص مجدد منابع و کالاها باعث کاهش درآمد حقیقی جهانی شود به منزله یک مانع غیرتعرفه‌ای تلقی می‌شود».<sup>۳</sup> اما می‌توان گفت دقیق‌ترین تعریف در این زمینه به هیلمن تعلق دارد. هیلمن (۱۹۹۱) هر اقدام دولتی به‌جز تعرفه که مستقیماً مانع ورود کالا به یک کشور شود یا به‌صورت تبعیض‌آمیز در مورد کالاهای وارداتی عمل کند را مانع غیرتعرفه‌ای می‌داند.<sup>۴</sup> تعریف هیلمن دو بخش نسبتاً جداگانه دارد: بخش اول مربوط به سیاست‌هایی است که مانع ورود کالا به یک کشور می‌شود و تقریباً هم‌راستا با تعریف والتر است؛ با این تفاوت که هیلمن با تأکید بر دولتی بودن اقدامات

۱. اقسام آن عبارت‌اند از سهمیه‌های تعرفه‌ای، سهمیه‌های وارداتی یک‌جانبه، پروانه (مجوز) واردات، سهمیه‌های دو‌جانبه و ترکیبی. سهمیه‌بندی، محدودیت مقداری مستقیم (QRs) به مقدار مجاز واردات یا صادرات مربوط است.

2. Walter (1972).

3. Baldwin (1970).

4. Hillman (1991).

غیر تعرفه‌ای، به دامنه شمول محدودتری توجه می‌کند. بخش دوم این تعریف، عنصر جدیدی را تحت عنوان «رفتار تبعیض آمیز» برای شناسایی موانع غیر تعرفه‌ای معرفی می‌کند.

## ۲. تجربه تاریخی سیاست تجاری

دوره رشد چشمگیر در تجارت جهانی و گشایش اقتصادها<sup>۱</sup> از اواسط دهه ۱۹۵۰ آغاز شد. مطابق داده‌های آماری، تجارت جهانی از سال ۱۹۶۵ به بعد، در تمام سال‌ها به‌جز معدودی سال‌های مصادف با افت ادواری<sup>۲</sup>، با سرعت بیش‌تری نسبت به درآمد جهانی رشد کرد و در کل دوره، رشد تجارت دو برابر رشد درآمد بوده است. این رشد سریع، بازتاب چند عامل از جمله کاهش موانع و محدودیت‌های تجاری است<sup>۳</sup>. کشورهای صنعتی در دهه ۱۹۳۰، سطح بالایی از حمایت‌ها را تجربه کردند، اما پس از تصویب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت<sup>۴</sup> در سال ۱۹۴۷، سطح حمایت‌ها رو به کاهش گذاشت و این روند تحت ادوار متوالی مذاکرات تداوم یافت. فرایند اصلاح تنها محدود به کاهش تعرفه‌ها نشد، بلکه در دهه ۱۹۵۰، لغو محدودیت‌های مقداری<sup>۵</sup> (اعمال‌شده به دلایل ترازپرداخت‌ها) یک مؤلفه مهم آزادسازی محسوب می‌شد. فرایند آزادسازی همیشگی و پایدار نبوده و با نوساناتی همراه بود؛ به‌طور مثال، در دهه ۱۹۵۰، به‌علت مستثنی شدن بخش کشاورزی و ایجاد امکان تداوم برنامه‌های قیمتی حمایت داخلی، کشاورزی از نظام چندجانبه<sup>۶</sup> تجاری به‌طور مؤثر کنار گذاشته شد و به این ترتیب، در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، در صادرات پوشاک و منسوجات به دلیل وجود نظام سهمیه‌ها<sup>۷</sup> تبعیض بین کشورها روا شده و تمام اصول اساسی موافقت‌نامه عمومی نقض شد. با کاهش تعرفه‌ها، نقش محدودکننده انواع حمایت‌های غیر تعرفه‌ای اعم از محدودیت‌های داوطلبانه صادرات<sup>۸</sup> و اقدامات ضدقیمت‌شکنی<sup>۹</sup>، افزایش پیدا کرد. با

1. Openness of Economies.

2. Cyclical Downturns.

3. Ng & Yeats (1999); Deardorff (2000).

4. General Agreement of Tariffs and Trade (GATT).

5. Quantitative Restrictions (QR).

6. Multilateral System.

7. System of Quotas.

8. Voluntary Export Restraints (VERs).

9. Antidumping Measures.

این حال، کاهش حمایت تعرفه‌ای کالاهای صنعتی که در کانون فرایند آزادسازی تجاری موافقت‌نامه تجاری قرار داشتند، چشمگیر بود.

کشورهای در حال توسعه برای اجرای سیاست تجاری از طیف وسیعی از اقدامات سیاستی استفاده کردند. موانع تعرفه‌ای همانند موانع غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه‌ها و مجوزها در همه‌جا اعمال می‌شد. محدودیت‌های ارزی غالباً مالیات‌های اضافی را بر تجارت تحمیل می‌کرد.<sup>۱</sup> مطالعات کروگر (۱۹۸۰) گویای آن است که سهمیه‌های وارداتی<sup>۲</sup> تحت رژیم‌های تجاری جاننشینی واردات<sup>۳</sup>، غالباً رانت‌های سهمیه‌ای ایجاد کرده‌اند که سهم مهمی از تولید ناخالص داخلی است.<sup>۴</sup> غالباً چنین سهمیه‌ها و مجوزهایی به نحوی تخصیص می‌یافتند که انگیزه‌ای قوی برای استفاده از منابع حقیقی جوینان رانت فراهم شده و به اتلاف توأم با اسراف منابع کمیاب منجر می‌شد.<sup>۵</sup> این سیاست‌ها، انگیزه‌ای قوی برای فساد به بار می‌آورد و تبعات منفی‌ای بر کیفیت نهادی توسعه به همراه داشت.<sup>۶</sup> اثرات حمایتی تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و مجوزها در این کشورها غالباً با اختلال در بازارهای ارز تقویت می‌شد. در ساده‌ترین و شفاف‌ترین شکل، محدودیت ارزی بر حساب جاری متضمن ارزش بیش از حد نرخ ارز رسمی<sup>۷</sup> است که به موازات نرخ ارز بازار ثانویه<sup>۸</sup> دیده می‌شود. در این بازار، قیمت داخلی نرخ ارز تعیین و ارزش کمیاب بین مصارف مختلف تخصیص می‌یابد.<sup>۹</sup>

با وجود رژیم‌های ارزی و تجاری تحریف‌شده که تا قبل از دهه ۱۹۸۰ ویژگی اغلب

۱. استفاده وسیع کشورهای در حال توسعه از موانع غیرتعرفه‌ای، مشکلات عدیده‌ای در اجرای سیاست تجاری ایجاد کرده است. وقتی اقدامات غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه‌ها یا مجوزها برای تحدید تجارت استفاده شد، این اقدامات اهمیت پیدا کرد. اهمیت سیاست تجاری در طول زمان در پاسخ به حجم تجارت مجاز، انتقال عرضه و تقاضای کالاهای تولیدشده در داخل و تغییر قیمت‌های بین‌المللی، تغییر می‌یافت. حدود معیارهای حمایتی مثلاً سهمیه‌ها (یا مالیات‌ها) مانند کنترل صادرات از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داخلی غیرقابل مشاهده است، مگر آن‌که بازاری برای این سهمیه‌ها وجود داشته باشد و دریافت‌کنندگان چنین سهمیه‌هایی نیز برای جلوگیری از ایجاد چنین بازارهایی به شدت مقاومت کنند؛ زیرا، آگاهی از میزان منافع‌شان از دریافت سهمیه‌ها، به فشار برای لغو سهمیه‌ها منجر می‌شود.

2. Import Quotas.

3. Import Substitution Regimes.

4. Krueger (1980).

5. Bhagwati (1983).

6. World Bank (2000).

7. Overvalued Official Exchange Rate.

8. Secondary Market Exchange Rate.

۹. در مناطقی که بازارهای موازی (ثانویه) قانونی‌اند، مانند چین در اوایل دهه ۱۹۸۰ (Martin, 1993a) و یا نیجریه در سال‌های اخیر، وسعت (اندازه) محدودیت تجاری ایجادشده توسط این سیاست‌ها، قابل مشاهده و بسیار چشمگیر است.

کشورهای در حال توسعه است، مشکل می‌توان فهمید کدام یک از اصلاحات سیاستی، رفاه را بهبود می‌بخشد. با این حال، تحولات سیاستی افزایش‌دهنده شفافیت و یکدست‌کننده تحریفات بین بنگاه‌ها، بهبوددهنده رفاه هستند. برای مثال، جایگزینی تخصیص ارزی با رویکرد بازار موازی عموماً رفاه را بهبود می‌بخشد<sup>۱</sup>؛ یا، استقبال از سرمایه‌گذاری خارجی بدون کاستن موانع، کاهنده رفاه بوده<sup>۲</sup> و سیاست‌هایی که الزامات عملکرد صادراتی را بر سرمایه‌گذاری خارجی اعمال کرده‌اند، بهبوددهنده بهینه دوم رفاه محسوب می‌شوند<sup>۳</sup>. جذابیت سیاسی سیاست‌های جانشینی واردات برای کشورهای در حال توسعه قبل از دور اروگوئه (۱۹۹۴-۱۹۸۶) با نظام تجاری چندجانبه تضادی نداشت. کشورهای مذکور عموماً در این دوره نظریه جانشینی واردات را تجویز می‌کردند و بر تلاش‌ها در GATT تحت عنوان «رفتار ویژه»<sup>۴</sup> جهت کسب بهبودهای برگشت‌ناپذیر و دسترسی به بازارهای کشورهای صنعتی تمرکز داشتند<sup>۵</sup>.

سیاست‌های این کشورها در سایه این تجربه، تعدیل شده و به سمت رژیم‌های تجاری بازتر حرکت کرد. این تغییر وضعیت خود را در دور اروگوئه نشان داد که در آن کشورهای در حال توسعه ابتدا شروع به ایفای نقش «بازی اصلی»<sup>۶</sup> امتیازات<sup>۷</sup> دسترسی به بازار در حال تحول کردند. این کشورها تمایل داشتند تعرفه‌هایشان را بر ۱۰۰ درصد واردات کشاورزی و بالغ بر ۶۰ درصد واردات محصولات صنعتی تثبیت<sup>۸</sup> کنند<sup>۹</sup>. همچنین، توافق کردند در قبال لغو سهمیه منسوجات و پوشاک و پی‌گیری ضوابط محدودکننده

1. De Melo Dervis & Robinson (1981).

2. Brecher & Diaz - Alejan- dro (1977).

3. Rodrik (1987).

4. Special and Differential Treatment.

۵. این سیاست، برای کشورهایی که برای بهبود رابطه مبادله، دسترسی ترجیحی به بازارها داشتند، نوعی کمک محسوب می‌شد؛ اما، تبعات اقتصادی منفی‌ای نیز در بر داشت. با این حال، گروه اندکی از کشورهای در حال توسعه شرق آسیا از راهبرد جایگزینی واردات تبعیت نکردند، بلکه سیاست‌های مکمل تشویق صادرات را به‌عنوان بخشی از مسیر توسعه معطوف به صادرات به کار گرفتند. تا پایان دهه ۱۹۹۰، عملکرد اقتصادهایی نظیر هنگ‌کنگ، کره جنوبی و تایوان (چین) بی‌نظیر بود.

6. Maingame.

7. Concessions.

۸ التزام به تعهد به مفهوم افزایش نیافتن تعرفه‌ها بالاتر از سطح مشخص ثبت‌شده در جدول امتیازات در WTO است (Bind Grand Bargain).

9. Abreu (1996).

حمایت از کشاورزی، از حقوق مالکیت فکری حمایت کنند. با این حال، گسترده‌ترین نمایش تمایل کشورهای در حال توسعه به افزایش مشارکت تجاری، نشانگر موج اصلاحات تجاری یک‌جانبه‌ای است که این کشورها را در بر گرفته است. این اصلاحات تمام مناطق و انواع مهم تحریفات سیاستی را تحت تأثیر قرار داده است. براساس گزارش بانک جهانی تحت عنوان «چشم‌اندازهای اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۱»، میانگین نرخ تعرفه کشورهای در حال توسعه از ۳۰ درصد در اوایل دهه ۱۹۸۰ به حدود ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۹۰ (به نصف) کاهش یافته است.<sup>۱</sup> کاهش مطلق نرخ‌های تعرفه‌ای کشورهای در حال توسعه بسیار بیش‌تر از کشورهای صنعتی است، البته کاهش از سطوح بالاتر احتمال منافع رفاهی بیش‌تری را نسبت به کاهش‌های متناظر در سطوح پایین‌تر تعرفه دارد.<sup>۲</sup> پراکنش نرخ‌های تعرفه، اساساً کاهش یافته<sup>۳</sup>، اما در واقع کاهش تعرفه‌ها بازتابی از جایگزینی موانع غیرتعرفه‌ای به جای تعرفه‌ها است. علاوه بر کاهش تعرفه‌ها، پوشش موانع غیرتعرفه‌ای نظیر انحصارات مؤسسات تجاری دولتی<sup>۴</sup> (STEs) نیز کاهش چشمگیری یافته است.

### ۳. روش تحقیق و پیشینه تحقیق

تعرفه‌ای کردن یعنی تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌های تثبیتی. در گام اول حرکت به سمت آزادسازی، کشورهای مشارکت‌کننده – به استثنای آن‌هایی که تحت پوشش «رفتار ویژه»<sup>۵</sup> قرار گرفتند – باید معیارهای غیرتعرفه‌ای‌شان را به تعرفه‌های تثبیت‌شده تبدیل کنند. تعرفه‌ای کردن به نحوی که مورد عمل قرار گرفته، خالی از اشکال نیست؟ با این حال منافع آنی برای دستیابی به شفافیت در حمایت در مقابل واردات را فراهم می‌کند. بعلاوه، تعرفه‌ها به‌طور کلی نسبت به دیگر موانع وارداتی ترجیح دارند، چرا که قابل پیش‌بینی‌تر، غیر تبعیض‌آمیزتر، آسانتر از نظر تعهد، و در برابر فساد کم‌تر اثرپذیر هستند. تعرفه‌ها همچنین رقابت را

1. World Bank (2001).

2. Martin (1997).

3. Anderson (1995).

4. State Trading Enterprises (STEs).

5. Special Treatment.

۶. این اقدامات شامل تبدیل محدودیت‌های مقداری واردات، عوارض متغیر، حداقل قیمت وارداتی، تبعیض در صدور مجوز واردات، اقدامات تعرفه‌ای حفظ‌شده از طریق بنگاه‌های تجاری دولتی، محدودیت‌های داوطلبانه صادراتی و تمام معیارهای مشابه به آثاری مشابه از طریق تعرفه‌ها است.



در بازارهای داخلی تسهیل می‌کنند و امکان لازم‌برای کشورهای واردکننده را به تعدیل در تجارت در قبال تغییرات قیمتی در بازار جهانی فراهم می‌آورند. در دور اروگوئه از روش شکاف قیمتی برای تنظیم معادل تعرفه‌ای موانع غیرتعرفه‌ای استفاده شد. فرض این روش این است که اختلاف قیمت داخلی و قیمت جهانی ناشی از آثار محدودکننده تمام موانع غیرتعرفه‌ای موجود در بازار است. در تمام کشورها قیمت‌های عمده‌فروشی و در صورت عدم دسترسی به آن، قیمت‌های تولیدکننده به‌عنوان مناسب‌ترین معیار به‌جای قیمت داخلی محسوب شده و میانگین قیمت سیف وارداتی کشور مورد نظر، مناسب‌ترین قیمت به‌جای قیمت جهانی است. بالاخره، با استفاده از میانگین سالانه نرخ ارز بازار برای همان دوره، نرخ تبدیل قیمت دلاری به پول محلی انجام می‌شود. سطوح معادل‌های تعرفه‌ای ناشی از تعرفه‌ای کردن با استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۸۸-۱۹۸۶ و با رعایت ضوابط مذکور به‌عنوان سطح پایه از سال ۱۹۹۵ برای اجرای تعهدات کاهشی مربوط به دسترسی به بازار در نظر گرفته می‌شدند.

هرچند در پیوست ضمیمه (۵) موافقت‌نامه، اصول محاسبه معادل تعرفه‌ای و تفاوت قیمت داخلی و قیمت جهانی به‌عنوان معیار تعیین معادل تعرفه‌ای مشخص و تعریف شده است، اما گروه مذاکره‌کننده در مورد دسترسی به بازار در ضمیمه (۳) سند امضا شده در آوریل سال ۱۹۹۳، روش محاسبه را با تفصیل بیشتری شرح داده و فرمول زیر را برای محاسبه معادل تعرفه‌ای ارائه داده است:

$$T_s = P_d - (P_w \times e) \quad (1)$$

در این فرمول  $T_s$  معادل تعرفه ویژه،  $P_d$  قیمت عمده‌فروشی محصول در داخل کشور واردکننده،  $P_w$  قیمت سیف<sup>۲</sup> کشور واردکننده یا قیمت فوب<sup>۳</sup> کشور صادرکننده عمده به‌همراه هزینه حمل‌ونقل و بیمه و در نهایت،  $e$  معادل نرخ ارز آزاد است.

سامنر در مقاله‌ای ضمن مرور مفاد موافقت‌نامه کشاورزی، به شیوه تعیین معادل تعرفه‌ای اشاره کرده و می‌نویسد: «... با این همه، تعرفه‌ای کردن، حداقل در عمل نه شفاف است

1. Specific Tariff.

۲. Cost, Insurance and Freight (C.I.F.) به اضافه هزینه بیمه و حمل.

۳. Free on Board (F.O.B.) تحویل روی کشتی در نقطه بارگیری.

و نه آسان، زیرا دسترسی به قیمت‌های داخلی و قیمت‌های مرجع خارجی وجود ندارد. کیفیت‌های متفاوت، شیوه‌های گوناگون طبقه‌بندی و دسته‌بندی کالا نیز این مشکل را مضاعف می‌سازد<sup>۱</sup>. او سپس فرمول زیر را برای معادل تعرفه‌ای ارائه داده است:

$$T_{ad} = [(P_d - P_w \times e)(P_w \times e)] \times 100 \quad (۲)$$

در این فرمول  $T_{ad}$  معادل تعرفه ارزشی<sup>۱</sup>؛  $P_d$  قیمت عمده‌فروشی محصول در کشور؛  $P_w$  قیمت سیف وارداتی و  $e$  نشانگر نرخ ارز آزاد است<sup>۲</sup>.

این‌گونه با دقت زیادی شیوه تعرفه‌ای کردن در دور اروگوئه را بررسی کرده و می‌کوشد مشکلات فوق را برای محاسبه عملی معادل تعرفه‌ای به روش منطقی حل کند. او ضمن تأیید فرمول گات و سامنر برای حل مشکل کیفیت‌های متفاوت، پیشنهاد کرده است به‌جای تفاوت قیمت محصول داخلی و خارجی، از تفاوت قیمت محصول وارداتی و قیمت سیاه‌فروش<sup>۳</sup> آن استفاده شود<sup>۴</sup>. صندوق بین‌المللی پول<sup>۵</sup> همچون یتس (۱۹۹۶) به تفاوت محاسبه معادل تعرفه‌ای براساس تعرفه ویژه و تعرفه ارزشی توجه کرده است. از آنجا که ارزش هر واحد کالای صادراتی کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته کم‌تر است، تعرفه ویژه آن بیش‌تر از تعرفه ارزشی خواهد بود. این امر، می‌تواند مَفْزَی برای استفاده از شیوه تعرفه‌ای کردن محیلانه باشد<sup>۶</sup>.

روش ارائه‌شده برای برآورد معادل تعرفه‌ای در دور مذاکرات تجاری اروگوئه برحسب سطح توسعه کشور و ماهیت موانع وارداتی مورد استفاده آن کشور، متفاوت است. در صورتی که تعرفه کالایی قبل از آغاز دور اروگوئه به سقف معینی محدود بوده است، کشور مورد مطالعه موظف است در صورت عدم استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای، سطح تعرفه خود را از این حد فراتر نبرد و در صورت استفاده از چنین موانعی، آن را به تعرفه تبدیل کند. اما در مورد کالاهایی که تعرفه آن‌ها فاقد سقف معینی است و موانع غیرتعرفه‌ای نیز

1. Ad Valorem Tariff.

2. Sumner (1992).

3. Invoice Price.

4. Ingco (1996).

5. International Monetary Fund (I.M.F).

6. I.M.F. (1996).

در واردات آن‌ها استفاده نمی‌شود، کشور مورد مطالعه باید سطح تعرفه خود را طی یک دوره شش ساله به سطح معینی کاهش داده و در صورت استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای برای واردات این کالا، آن‌ها را تبدیل به تعرفه کند. در این میان، بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌توانند از امتیازاتی چون دوره زمانی و سقف تعرفه‌ای متفاوت با کشورهای توسعه یافته استفاده کنند<sup>۱</sup>.

معیار دقیق مانع غیرتعرفه‌ای برحسب اثری که بر قیمت‌ها دارد، معیاری است که قیمت داخلی ایجاد شده بدون مانع غیرتعرفه‌ای را با قیمتی مقایسه می‌کند که در شرایط وجود مانع غیرتعرفه‌ای حاکم می‌شود؛ با این فرض که قیمت پرداختی به عرضه‌کنندگان بدون تغییر باقی بماند. با این حال، از آن‌جا که این قیمت‌ها معمولاً غیرقابل مشاهده و اندازه‌گیری‌اند، معیار واقعی موانع غیرتعرفه‌ای براساس مقایسه قیمت‌های داخلی در شرایط وجود موانع غیرتعرفه‌ای با قیمت‌های جهانی است. در ادامه، روش‌های محاسبه معادل‌های تعرفه‌ای با بیان‌های متفاوتی ارائه شده است:

۱) یکی از راه‌حل‌های موجود آن است که به جای تفاوت قیمت محصول تولید شده در داخل و قیمت کالای وارداتی، تفاوت قیمت کالای وارداتی در داخل کشور و قیمت فاکتور آن بررسی شود. بر این مبنا، می‌توان روش تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای را به شکل زیر فرموله کرد:

$$T_{ad} = \frac{(P_d - P_w)}{P_w} \times 100 \quad \text{تعرفه ارزشی} \quad ; \quad T_s = P_d - P_w \quad \text{تعرفه ویژه}$$

که در آن  $P_d$  قیمت عمده‌فروشی در داخل کشور،  $P_w$  قیمت سیف به اضافه تعرفه یا قیمت فاکتور فروش خارجی به همراه تعرفه و هزینه حمل و نقل و بیمه است که با توجه به نرخ ارز بر حسب پول داخلی حساب می‌شود<sup>۲</sup>.

۲) در پیوست ضمیمه (۵) موافقت‌نامه کشاورزی، اصول محاسبه معادل تعرفه‌ای و تفاوت قیمت داخلی و قیمت جهانی به‌عنوان معیار تعیین معادل تعرفه‌ای مشخص و تعریف

۱. هرچند اینگکو (Ingco, 1996) تأثیر حداقل دسترسی به گشایش بازار را با توجه به اصل کامله‌الوداد ناچیز می‌داند، اما سطح حداقل دسترسی باید قبل از تعرفه‌ای کردن مشخص شود؛ زیرا این مقدار بعد از تعرفه‌ای کردن به‌عنوان حداقل مقدار قابل قبول مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲. کمیجانی (۱۳۸۰).

شده است. همچنین، گروه مذاکره کننده در خصوص دسترسی به بازار در ضمیمه (۳) سند امضاشده در آوریل سال ۱۹۹۳، روش محاسبه را با تفصیل بیش تری شرح داده و فرمول زیر را برای محاسبه معادل تعرفه‌ای ارائه داده است:

$$T_s = P_d - (P_w \times e)$$

در این فرمول  $P_d$  نشانگر قیمت عمده‌فروشی محصول در داخل کشور واردکننده،  $T_s$ ، معادل تعرفه معین؛  $P_w$  قیمت سیف کشور واردکننده یا قیمت فوب کشور صادرکننده عمده به همراه هزینه حمل و نقل و بیمه، و در نهایت  $e$  نشانگر نرخ ارز آزاد است.<sup>۱</sup> روش دیگر تعیین نرخ تعرفه معادل استفاده از کشش تقاضای واردات است که به صورت رابطه زیر تعریف می‌شود:

$$T_e = \left( \frac{\hat{q}m}{qm} \right) \times \left( \frac{1+t}{z} \right)$$

در این رابطه  $T_e$  معادل تعرفه‌ای؛  $\hat{q}m$  تغییر در واردات ناشی از موانع غیرتعرفه‌ای (NTB)؛  $qm$ ، سطح واردات در زمان وجود موانع غیرتعرفه‌ای؛  $t$  نرخ تعرفه اسمی و  $z$  بیانگر کشش تقاضا برای واردات است.<sup>۲</sup>

فرمول زیر روش دیگری است که در بانک جهانی استفاده شده است:

$$P_m = P_w \times e \{1 + T_d + cp(0)\} (1 + NTB)$$

که در آن  $P_m$ ، قیمت داخلی واردات؛  $P_w$ ، قیمت مرزی واردات؛  $e$ ، نرخ ارز؛  $T_d$  حقوق گمرکی و  $cp(0)$  بیانگر سود بازرگانی قبل از وضع تعرفه است. از آنجا که پس از رفع موانع غیرتعرفه‌ای، سود بازرگانی بالاتری جایگزین می‌شود، انتظار می‌رود قیمت‌های وارداتی در داخل تغییر نکند؛ بنابراین، می‌توان رابطه زیر را جایگزین رابطه قبلی کرد:

$$P_m = P_w \times e \{1 + T_d + cp(1)\}$$

#### 1. Specific Tariff

۲. حسینی (۱۳۸۳). خیابانی (۱۳۸۶).

۳. خیابانی (۱۳۸۶).

که در آن  $cp(1)$  بیانگر سود بازرگانی پس از وضع تعرفه است. با مساوی قرار دادن دو رابطه، معادل تعرفه‌ای موانع غیر تعرفه‌ای از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$T_e = \frac{(1+T_d+cp(1))}{(1+T_d+cp(0))} - 1$$

جمع‌بندی روش‌های معرفی شده در جدول (۱) نشان داده شده است.

### جدول ۱- مطالعات تجربی و روش‌های محاسبه تعرفه معادل

فرمول ارائه شده	پیشنهاددهنده روش
$T_s = P_d - P_w$ و $T_{ad} = \frac{(P_d - P_w)}{P_w} \times 100$	کميجانی (۱۳۸۰)
$T_s = P_d - (P_w \times e)$	حسینی (۱۳۸۳)؛ مطابق پیوست شماره (۵) موافقت‌نامه کشاورزی.
$T_{ad} = \frac{P_d(P_w \times e)}{P_w \times e} \times 100$	حسینی (۱۳۸۳)؛ مطابق فرمول ارائه شده توسط سامنر (۱۹۹۲).
$T_e = \left( \frac{P_d}{P_w \times e} \right) \times 100$	کميجانی (۱۳۸۰)
$t_e = \left( \frac{\widehat{qm}}{qm} \right) \times \left( \frac{1+t}{z} \right)$	خیابانی (۱۳۸۶)
$T_e = \frac{(1+T_d+cp(1))}{(1+T_d+cp(0))} - 1$	بانک جهانی

### ۴. جمع‌آوری اطلاعات آماری

فصل ۷۲ کتاب مقررات صادرات و واردات به آهن و فولاد اختصاص دارد. این فصل شامل ۲۹ ردیف تعرفه چهار رقمی است که هر کدام از تعرفه‌های چهار رقمی زیرمجموعه‌ای از تعرفه‌های شش و هشت رقمی را در بر می‌گیرند. مانند تقسیم‌بندی سایر فصل‌های کتاب مقررات صادرات و واردات، این فصل نیز از محصولات ابتدایی و اولیه صنعت فولاد آغاز شده و به محصولات نهایی این صنعت ختم می‌شود. از آنجا که محاسبه معادل تعرفه‌ای همه تعرفه‌های چهار رقمی صنعت فولاد از توان این مطالعه خارج است (به علت عدم دسترسی کافی به اطلاعات - به‌ویژه اطلاعات قیمت داخلی انواع محصولات)، اما تلاش شد

محصولات به گونه‌ای انتخاب شوند که نتایج آن به کل زنجیره این صنعت قابل تعمیم باشد. از این رو، برای انتخاب محصولات مورد نظر برای محاسبه معادل‌ها، ابتدا جدول (۲) تهیه شد که در آن علاوه بر معرفی ۲۹ تعرفه چهار رقمی صنعت فولاد، تعداد تعرفه‌های شش رقمی و هشت رقمی زیرمجموعه هریک نیز آورده شده است. این جدول رتبه واردات و صادرات هریک از این محصولات را نیز نشان می‌دهد. رتبه واردات بیانگر ارزش واردات محصول از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ به دلار و رتبه صادرات نشانگر ارزش صادرات محصول به سایر کشورها از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ است. برای مثال، چدن در میان ۲۹ محصول زنجیره فولاد، ۲۶ امین محصول وارداتی و ۱۶ امین محصول صادراتی است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نخستین رتبه‌های واردات به ورق گرم، اسلب و بیلت و تیرآهن تعلق دارد. نخستین رتبه‌های صادرات نیز متعلق است به ورق گرم، سایر انواع ورق و قراضه و ضایعات. بنابراین، ورق گرم رتبه نخست واردات و صادرات را کسب کرده است. اگر مجموع رتبه کسب‌شده محصولات در واردات و صادرات را به‌عنوان معیاری جهت رتبه‌بندی در نظر گرفته شود، محصولات ورق گرم، انواع ورق، اسلب و بیلت، محصولات تخت نوردشده از فولاد زنگ‌نزن، تیرآهن، انواع میله‌های آهن و ورق سرد در رتبه‌های اول تا هفتم قرار می‌گیرند.

بنابراین، مشاهده می‌شود زنجیره فولاد محصولات شمش، اسلب و بیلت، ورق گرم، ورق سرد، میلگرد و تیرآهن با توجه به معیارهای واردات و صادرات به ترتیب محصولات اصلی صنعت فولاد کشور هستند.

## ۵. تحلیل سیاست تجاری صنعت فولاد ایران

### ۵-۱. تعرفه گمرکی محصولات صنعت فولاد

شاید نخستین راهی که برای بررسی وضعیت تعرفه‌ای یک صنعت به ذهن می‌رسد بررسی تعرفه‌های آن در یک دوره زمانی است. مشاهده می‌شود که تعرفه گمرکی (مجموع حقوق پایه و سود بازرگانی) شمش فولاد از سال ۱۳۸۲ برابر چهار درصد بوده و تعرفه اسلب و بیلت از سال ۱۳۸۴ برابر چهار درصد است. در برخی ردیف‌های چهاررقمی مانند انواع ورق، میلگرد و تیرآهن، تعرفه محصولات به‌دلیل انواع محصولات تحت پوشش آن

جدول ۲- معرفی محصولات زنجیره صنعت فولاد

رتبه صادرات	رتبه واردات	کد شش رقمی	رتبه صادرات	رتبه واردات	تعداد کد هشت رقمی	تعداد کد شش رقمی	محصول	کد سه رقمی
			۱۶	۲۶	-	۳	چدن	۷۲۰۱
۹۳	۲۵	۷۲۰۲۱۱						
۱۱۷	۱۹	۷۲۰۲۱۹	۶	۱۰	۲۲	۱۵	آلیاژهای آهن	۷۲۰۲
۴۴	۲۳	۷۲۰۲۲۱						
۱۶۶	۲۱	۷۲۰۳۹۰	۲۶	۱۸	-	۲	آهن اسفنجی	۷۲۰۳
۳۹	۱۱	۷۲۰۴۲۹	۳	۱۳	-	۷	قراضه و ضایعات	۷۲۰۴
			۲۸	۲۷	-	۳	دانه‌های کوچک (گرانول) و پودر	۷۲۰۵
۱۲۷	۱	۷۲۰۶۱۰	۲۹	۴	-	۲	آهن و فولادهای به شکل شمش	۷۲۰۶
			۵	۲	-	۴	اسلب و بیت	۷۲۰۷
۵۳	۶	۷۲۰۸۳۶						
۱۷	۱۰	۷۲۰۸۳۷						
۵	۸	۷۲۰۸۳۹	۱	۱	۱۳	۱۴	ورق گرم	۷۲۰۸
۱۲۳	۲۴	۷۲۰۸۴۰						
۳	۲	۷۲۰۸۵۱						
۲۵	۲۷	۷۲۰۸۵۲	۱	۱	۱۳	۱۴	ورق گرم	۷۲۰۸

رتبه صادرات	رتبه واردات	کد شش رقمی	رتبه صادرات	رتبه واردات	تعداد کد هشت رقمی	تعداد کد شش رقمی	محصول	کد سه رقمی
۱۶	۱۸	۷۲۰۹۱۶						
۱۰	۵	۷۲۰۹۱۷						
۳۲	۹	۷۲۰۹۱۸	۹	۶	-	۹	ورق سرد	۷۲۰۹
۸۷	۲۸	۷۲۰۹۲۶						
۱۰۰	۱۶	۷۲۰۹۲۷						
۱۶۵	۱۳	۷۲۰۹۲۸						
۱۵	۳	۷۲۱۰۱۲						
۲۲	۷	۷۲۱۰۳۰						
۱	۴	۷۲۱۰۴۹	۲	۵	-	۱۱	ورق قلم اندود، ورق رنگی، ورق گالوانیزه	۷۲۱۰
۱۴	۲۹	۷۲۱۰۷۰						
۱۱۳	۲۲	۷۲۱۱۹۰	۱۵	۲۰	۶	۶	محصولات تخت نوردشده	۷۲۱۱
۱۵۲	۲۶	۷۲۱۲۱۰	۱۸	۱۷	۴	۶	محصولات تخت نوردشده	۷۲۱۲
۸	۱۴	۷۲۱۳۹۱	۱۱	۸	۵	۴	میگردد	۷۲۱۳
			۷	۷	-	۵	سایر میله‌ها	۷۲۱۴
			۲۲	۲۳	-	۳	سایر میله‌ها	۷۲۱۵



رتبه صادرات	رتبه واردات	کد شش رقمی	رتبه صادرات	رتبه واردات	تعداد کد هشت رقمی	تعداد کد شش رقمی	محصول	کد سده رقمی
۶۲	۱۷	۷۲۱۶۳۱	۱۰	۳	۲	۱۲	پروفیل، تیر آهن، نبشی	۷۲۱۶
۳۷	۳۰	۷۲۱۶۳۲						
۵۹	۱۵	۷۲۱۷۲۰	۱۴	۱۴	۱۰	۴	مفتول	۷۲۱۷
			۲۰	۲۸	-	۳	فولاد زنگ‌نزن	۷۲۱۸
			۴	۹	-	۱۴	محصولات از فولاد زنگ‌نزن	۷۲۱۹
			۱۷	۲۱	-	۴	محصولات از فولاد زنگ‌نزن	۷۲۲۰
			۲۴	۲۹			میله‌ها، گرم‌نورد شده	۷۲۲۱
			۱۳	۱۹	-	۵	سایر میله‌ها از فولاد زنگ‌نزن	۷۲۲۲
			۲۵	۲۵			مفتول از فولاد زنگ‌نزن	۷۲۲۳
			۲۱	۲۴	-	۲	سایر فولادهای ممزوج	۷۲۲۴
۴۹	۱۲	۷۲۲۵۱۹	۸	۱۱	-	۸	محصولات تخت نورد شده	۷۲۲۵
			۱۹	۲۲	-	۶	محصولات تخت نورد شده	۷۲۲۶
			۲۳	۱۵	-	۳	میله‌ها، گرم‌نورد شده	۷۲۲۷
۲۴	۲۰	۷۲۲۸۳۰	۱۲	۱۲	-	۸	سایر میله‌ها	۷۲۲۸
			۲۷	۱۶	۴	۲	مفتول	۷۲۲۹

ردیف تعرفه، تنوع بیش‌تری دارد. به‌عنوان مثال در گروه ورق سرد دو رقم تعرفه چهار درصد و ده درصد مشاهده می‌شود. درنهایت، به نظر می‌رسد حداقل در گروه محصولات فولادی مورد مطالعه سال‌های اخیر، نوعی ثبات رویه در تعرفه‌ها رعایت شده است.

گفتنی است در ایران کمیسیون ماده یک، راه اصلی تعیین یا تغییر تعرفه محصولات است. از طریق کمیسیون ماده یک - که کمیسیون تعیین تعرفه است - و مصوبات هیأت دولت، آنچه در کتاب مقررات صادرات و واردات منعکس شده، در واقع نشان‌دهنده تعرفه‌ای است که هر ساله برای محصولات تعیین می‌شود؛ اما میزان تعرفه در طول سال براساس مصوبات هیأت دولت قابل تغییر است. بررسی تاریخی موضوع نشان می‌دهد از روش دوم برای تغییر تعرفه محصولات فولادی به دفعات استفاده شده و همین امر یکی از دلایل ایجاد یا تشدید نوسان این بازار بوده است. در سال ۱۳۸۵ در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی اعلام شد دولت دیگر در صنایع مادر همچون صنعت فولاد - سرمایه‌گذاری نمی‌کند و واحدهای تولیدی، صنعتی و تجاری و طرح‌های موجود در صورت امکان به بخش خصوصی واگذار شده یا با مشارکت آن‌ها پیگیری می‌شود. این سیاست به‌علت بی‌توجهی به الزامات و سیاست‌های اجرایی مکمل، موجب سردرگمی مدیران بخش صنعت شد. با این حال، دولت که از یک سو با درآمدهای نفتی قابل توجه و افزایش تقاضا و از سوی دیگر با بی‌حرکی واحدهای فولادی - عمدتاً دولتی - و افزایش واردات مواجه شده بود، اعلام کرد تا زمان فراهم شدن شرایط فعالیت بخش خصوصی، مجدداً طرح‌های توسعه و افزایش ظرفیت پیگیری می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. طرح جامع فولاد برای دو افق پنج‌ساله و بیست‌ساله تعیین شده و قرار بود نرخ تولید فولاد به ۲۵ میلیون تن در برنامه چهارم توسعه برسد. اهداف این طرح در قالب مطالعات جامع برای افزایش ظرفیت واحدهای فولادسازی موجود و افزودن خطوط جدید فولادسازی در دستور کار شرکت ملی فولاد قرار دارد. مطالعات طرح جامع در راستای تعریف ظرفیت خاصی برای تولید فولاد کشور است و در نظر دارد تولید فولاد را به ۲۵ میلیون تن در سال برساند. این موضوع براساس محوریت تأمین منابع از داخل تدوین می‌شود. وجود سنگ‌آهن، گاز طبیعی و سایر مواد اولیه انرژی، ایران را در رسیدن به این نقطه مطلوب یاری می‌دهد. صنایع فولاد با تصویب و تدوین کامل این طرح، برنامه‌های خود را برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته‌شده شناسایی خواهند کرد. مهم‌ترین اهداف طرح عبارت‌اند از: تعیین اهداف و استراتژی توسعه صنعت فولاد، تعیین موقعیت‌های مطلوب جغرافیایی برای تولید فولاد، شناسایی جایگاه صنعت فولاد در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور، بررسی روند تولید از نظر فنی و اقتصادی، بررسی انواع انرژی موردنیاز این صنعت، بررسی عرضه و تقاضا و روند قیمت جهانی و داخلی، بررسی وضعیت صنایع فولاد، بررسی استخراج و کانه‌آرایی، بررسی زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی. در طرح جامع فولاد، استان‌های هرمزگان، خوزستان، کرمان، یزد، اصفهان و خراسان جنوبی جهت افزایش ظرفیت تولید طراحی شده بود؛ اما براساس گزارش‌ها، قرار است استان‌های براساس نزدیکی به منابع سنگ‌آهن، زغال‌سنگ، ذخایر گاز، خط آهن و غیره انتخاب شوند تا انجام طرح توجیه فنی و اقتصادی داشته باشد.

واحد: درصد

جدول ۳- تعرفه محصولات فولادی طی سال‌های ۱۳۷۶ لغایت ۱۳۸۹

۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	شرح و کد
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	۵	۵	۵	-	-	
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۲۵	۴	۱	۵	۵	۵	-	-	۷۲۰۷
۴	۴	۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۱۵.۵	۱۲.۳	۷	۲۲	۱۲	۲	۲	۷۲۰۸
۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۵	۱۲	۷	۷	۷	۲	۲	۷۲۰۹
۱۵.۱۰	۱۵.۱۰	۱۵.۱۰	۲۰	۲۰	۱۵.۲۰	۱۵.۲۰	۱۵.۲۰	۱۲.۱۵	۱۲	۲۷	۲۷	۱۲	۱۲	۷۲۱۳
۱۰.۴	۱۰.۴	۱۰.۴	۱۵.۱۰.۴	۱۵.۱۰.۴	۱۵.۱۰.۴	۲۰.۱۵.۱۰	۱۰	۶	۷.۱۲	۳۲.۱۷	۱۷	۱۲	۱۲	۷۲۱۶
														تیر آهن
														میله گرد
														ورق سرد
														ورق گرم
														اسلب و پلت
														شمش

منبع: مقررات صادرات و واردات (۱۳۸۹).

در همین اثنا با افزایش تقاضای محصولات فولادی به دلیل رونق اقتصاد جهانی، افزایش درآمدهای نفتی و تزریق آن به اقتصاد کشور از طریق تحریک تقاضای مسکن و رونق فعالیت‌های ساخت‌وساز و رشد بی‌سابقه بودجه پروژه‌های ملی و عمرانی، قیمت محصولات فولادی شدیداً افزایش یافت و پس از یک جلسه جنجالی در هیأت دولت، نرخ تعرفه محصولات فولادی صفر اعلام شد.<sup>۱</sup> با وجود آن که این تصمیم توسط مجاری قانونی و کارشناسی تعیین تعرفه تأیید نشد و بنابراین ابلاغ نیز نشد، اما فضای ریسک و عدم اطمینان تولید و تجارت فولاد را تشدید کرد و درنهایت به ایجاد شوک در فعالیت‌های اقتصادی ختم شد.<sup>۲</sup>

اگرچه مصوبه و سیاست مزبور در ابتدا موجب کاهش فشار تقاضا و کنترل قیمت محصولات فولادی شد، اما اعتماد فعالان اقتصادی به سیاست‌های دولت را کاهش داد. درنهایت، در تعامل وزارتخانه‌های عضو کمیسیون ماده یک، کاهش پنج درصدی تعرفه میلگرد و کاهش شش درصدی تعرفه ورق گرم در سال ۱۳۸۷ مصوب و ابلاغ شد.

با شروع بحران پولی و مالی اقتصاد بین‌الملل و به تبع آن رکود اقتصاد جهانی در مرداد و شهریور ۱۳۸۷ (مصادف با اگوست و سپتامبر ۲۰۰۸) و تأثیر آن در کاهش درآمدها و ذخایر ارزی ایران در ماه‌های بعد، سیاست‌های پولی انقباضی بانک مرکزی از ابتدای سال ۱۳۸۷ برای کنترل نقدینگی و تورم اجرا شد و در نهایت به تشدید مشکلات صنایع فولاد و صنایع پایین‌دستی آن ختم گردید. در چنین شرایطی، وزارت صنایع و معادن و انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران با هدف دفاع از حقوق تولیدکنندگان برای افزایش تعرفه فولاد با وزارت بازرگانی مذاکره کردند. این مذاکرات از فروردین سال ۱۳۸۷ تا اردیبهشت سال ۱۳۸۸ تداوم یافت و درنهایت وزارت بازرگانی با تصمیم مدیریتی، افزایش تعرفه محصولات فولادی را به شرط محدود بودن افزایش قیمت (کم‌تر از ۱۰ درصد) پذیرفت و در این راستا موافق درخواست وزارت صنایع و معادن، تفاهم‌نامه‌ای تنظیم و به امضای چهار وزیر عضو کمیسیون ماده یک رسید؛ اما ابلاغ آن تا حصول اطمینان از مهار افزایش قیمت‌ها توسط وزارت صنایع و معادن از طریق تولید و تزریق بیش‌تر محصولات فولادی به

1. <http://persianiron.com>.

۲. تاری (۱۳۸۸).

بازار به تاخیر افتاد.<sup>۱</sup> با این حال، به علت آن که انتظارات فعالان اقتصادی بر مبنای افزایش تعرفه و قیمت محصولات فولادی شکل گرفته بود، این امر موجب هجوم تقاضای مردم و انبوه‌سازان به بخش ساخت‌وساز شد.

از طرف دیگر، تولیدکنندگان و تجار به دلیل انتظار افزایش قیمت‌ها و در نتیجه کسب درآمدهای بیش‌تر، عرضه محصولات خود را به تعویق انداختند و برخلاف تفاهم‌نامه وزارت بازرگانی و وزارت صنایع و معادن، قیمت‌ها بیش از حد متعارف افزایش یافت. به همین دلیل، رئیس دولت و وزیر بازرگانی از ابلاغ مصوبه مزبور خودداری کردند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، هرچند در هیچ‌یک از دو مورد تصمیم هیأت دولت ابلاغ نشده است، اما صرف تصمیم‌گیری و انتظارات تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و واردکنندگان از نتایج آن موجب بی‌نظمی بازار و تأثیر مستقیم بر متغیرهای کلیدی و تعیین‌کننده حمایت - از جمله میزان واردات و قیمت وارداتی - شده است. بنابراین، بررسی تصمیمات دولت در شرایط رکود و رونق اقتصادی نشان می‌دهد با این که در زمان رونق و افزایش تقاضای محصولات فولادی، تعرفه محصولات فولادی کاهش یافته، اما در زمان رکود و کاهش تقاضای محصولات فولادی، تعرفه محصولات فولادی در عمل افزایش نیافته است. این عملکرد یک پیام منفی به سرمایه‌گذارانی است که مایلند در این زمینه به سرمایه‌گذاری کرده و با سیاست‌های دولت در جهت اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی همراهی کنند؛ به این معنا که صنایع پایه فولاد از حمایت دولت برخوردار نیست.<sup>۲</sup>

## ۲-۵. موانع غیر تعرفه‌ای محصولات فولادی منتخب

بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت هر مانعی غیر از تعرفه بر سر راه تجارت کالا، مانع غیر تعرفه‌ای است و موجب تجارت غیر شفاف و ناکارآمد می‌شود. بنابراین، برای الحاق به سازمان جهانی تجارت باید موانع و اقداماتی که از سوی دولت‌ها و به منظور کنترل و کاهش واردات یا صادرات وضع می‌شوند، شناسایی و رفع شوند. در ادامه، مجوزها یا هرگونه محدودیتی که به‌عنوان پیش‌شرط ورود محصولات فولادی در مقررات صادرات

۱. اطلاعات (۱۳۸۹).

۲. شفیع (۱۳۸۷).

و واردات وجود دارد در دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۷۶ بررسی شده است. براساس جدول (۴) بررسی موانع غیرتعرفه‌ای محصولات فولادی منتخب در دوره مذکور نشان‌دهنده کاهش موانع غیرتعرفه‌ای در این سال‌ها است. براساس این جدول، واردات هرکدام از شش گروه محصول فولادی (شامل شمش، اسلب و بیلت، ورق گرم، ورق سرد، میلگرد و تیرآهن) در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷، مستلزم دریافت مجوز وزارتخانه‌های بازرگانی، صنایع یا معادن و فلزات بوده است. هرچند شرط لزوم دریافت مجوز واردات از وزارتخانه‌های مختلف تا سال ۱۳۸۱ ادامه یافته، اما به مرور زمان کم‌رنگ‌تر شده است؛ تا آنجا که برای واردات کالای مورد نظر صرفاً به مجوز وزارت بازرگانی نیاز است و شرط موافقت وزارتخانه‌های صنایع و معادن و فلزات برداشته شده است؛ به طوری که در سال ۱۳۸۱ فقط دریافت مجوز وزارت بازرگانی، شرط واردات گروه کالاهای مورد نظر است (واردات ورق گرم از سال ۱۳۷۹ فقط به مجوز وزارت بازرگانی نیاز دارد).

براساس لایحه اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و تعیین چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا در مواد این لایحه، از ابتدای سال ۱۳۸۲ تمام الزامات اخذ مجوز از وزارتخانه‌های مختلف حذف شد. در ماده ۱ این لایحه آمده است: «از ابتدای سال ۱۳۸۲ برقراری و دریافت هرگونه وجوه از جمله مالیات و عوارض اعم از ملی و محلی از تولیدکنندگان کالاها، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی صرفاً به موجب این قانون صورت می‌پذیرد و کلیه قوانین و مقررات مربوط به برقراری، اختیار و یا اجازه برقراری و دریافت وجوه که توسط هیأت وزیران، مجامع، شوراها و سایر مراجع، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی از جمله آن دسته از دستگاه‌های اجرایی که شمول قوانین بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است، همچنین مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی صورت می‌پذیرد به استثنای «قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحات بعدی آن، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷، قانون مقررات تردد و سائل نقلیه خارجی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۲، عوارض آزادراه‌ها، عوارض موضوع ماده (۱۲) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو ایران مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۲ و عوارض موضوع بند (ب) ماده (۴۶)، بند (ب) ماده (۱۳۰) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۱۳۲) قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷، لغو

جدول ۲- موانع غیر تعرفه‌ای محصولات فولادی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱

۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷ و ۱۳۷۶	محمول و ردیف
وزارت بازرگانی	وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارت بازرگانی و معادن و فلزات، ورود شمش از فولاد موزون بر کربن موکول به موافقت وزارت صنایع، وزارت بازرگانی است.	شمش (۷۲۰۶)
وزارت بازرگانی	وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات، شمش‌های بزرگ، کوچک و بین و محصولات نیمه‌تمام حاصل از چکش‌کاری فولاد اعلائی کربن‌دار موکول به موافقت وزارت صنایع و وزارت بازرگانی است.	اسلب و پیلت (۷۲۰۷)
وزارت بازرگانی	وزارت بازرگانی	وزارت بازرگانی	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارت بازرگانی و وزارت صنایع، محصولات نیمه‌تمام به شکل طومار آهن، یا فولاد برای دوباره نورد کردن موکول به موافقت وزارت معادن و فلزات و وزارت بازرگانی است. ورود ورق مشمول این ردیف که فقط نورد شده باشد متحصراً موکول به موافقت وزارت بازرگانی است. ورود صفحه‌های آهن، یا فولاد مشمول این ردیف وابسته به موافقت وزارت معادن و فلزات و وزارت بازرگانی است.	ورق گرم (۷۲۰۸)
وزارت بازرگانی	وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات، ورود ورق مشمول این ردیف که فقط نورد شده باشد متحصراً موکول به موافقت وزارت بازرگانی است.	ورق سرد (۷۲۰۹)
وزارت بازرگانی	وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات، ورود میله‌های نیمه‌تمام متوط به موافقت وزارت صنایع و وزارت بازرگانی است.	میلهگرد (۷۲۱۳)
وزارت بازرگانی	وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات	وزارتخانه‌های بازرگانی و معادن و فلزات، ورود و پوفله از فولاد پر کربن متوط به موافقت وزارت صنایع و وزارت بازرگانی است.	تیر آهن (۷۲۱۶)

منبع: مقررات صادرات و واردات (۱۳۸۹)؛ تجارت (۱۳۸۹-۱۳۷۶).

می‌گردد». همچنین در ماده ۲ این لایحه آمده است: «حقوق گمرکی، مالیات، حق ثبت سفارش کالا، انواع عوارض و سایر وجوه دریافتی از کالاهای وارداتی تجمع شده و معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالاها تعیین می‌شود. به مجموع این دریافتی و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیأت وزیران تعیین می‌شود، حقوق ورودی اطلاق می‌گردد». بنابراین، قانون کلیه مجوزهایی که دریافت آن‌ها برای واردات محصولات فولادی ضرورت داشتند از سال ۱۳۸۲ لغو شدند.

بررسی مقررات صادرات و واردات سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۲ نشان‌دهنده عدم وجود هرگونه مجوز یا محدودیت مرتبط با تجارت گروه محصولات فولادی است. اما به غیر از مجوزها، موانع یا محدودیت‌های دیگری نیز فرا راه تجارت کالاها ایجاد می‌شود که از آن جمله می‌توان به موانع فنی اشاره کرد. موانع فنی عبارت‌اند از استانداردها و مقررات فنی‌ای که رعایت آن‌ها برای واردات کالا از سوی کشور واردکننده ضروری شمرده می‌شود. البته ایجاد استانداردها و مقررات فنی از سوی سازمان جهانی تجارت معقول و پذیرفته است به شرط آن‌که به‌عنوان مانعی غیرضروری بر سر راه تجارت کالا شناخته نشوند. یک استاندارد در صورتی به‌عنوان مانعی غیرضروری فرا راه تجارت شناخته می‌شود که با دو اصل اساسی سازمان یعنی رفتار دولت کامله‌الوداد یا رفتار ملی مغایر باشد. به این معنا که اگر کشوری برای واردات یک گروه کالای خاص، استانداردهایی را تعیین کرده باشد اما رعایت آن استانداردها در همه کشورها ضروری نبوده و فقط برخی کشورها ملزم به رعایت آن باشند، اصل دولت کامله‌الوداد نقض شده و بنابراین، باید اجرای استاندارد مورد نظر را اختیاری کرده یا اجرای آن را برای همه کشورها الزامی کرد. همچنین، اگر استاندارد وجود داشته باشد که رعایت آن برای تولیدکنندگان داخلی اختیاری اما برای کشورهای صادرکننده به آن کشور اجباری باشد، اصل رفتار ملی نقض شده است. این استاندارد باید برای سایرین هم اختیاری شده یا برای تولیدکنندگان داخلی نیز اجباری شود. البته بحث درباره موانع فنی فراروی تجارت، گسترده‌تر از آن است که در اینجا ذکر شد؛ بنابراین، برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توان به موافقت‌نامه فنی فراراه تجارت مراجعه کرد<sup>۱</sup>.

استانداردها و مقررات فنی کالاها در ایران از سوی مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی



تعیین می‌شود. برای بررسی این که آیا هیچ‌یک از استانداردهای تعیین شده محصولات فولادی براساس مقررات سازمان جهانی تجارت غیرضروری تلقی می‌شوند یا خیر مصاحبه‌ای باز با خبرگان این صنعت شامل کارشناس فولاد، دبیر ستاد فولاد و کارشناس ایمیدرو انجام شد که براساس نظر این کارشناسان، با توجه به حجم گسترده واردات محصولات فولادی و شرایط خاص تحریم‌ها که کمابیش ظرف سی سال اخیر گریبان‌گیر اقتصاد ایران بوده است، همچنین با در نظر گرفتن محدودیت و فقدان آزمایشگاه‌های مجهز کنترل کیفی و نیز مراجع تشخیص دامپینگ، امکان بازرسی، نظارت و کنترل دقیق محموله‌های وارداتی وجود ندارد؛ به طوری که گاهی کیفیت محصولات فولادی وارداتی به مراتب پایین‌تر از استانداردهای ملی بوده است؛ بنابراین، می‌توان گفت در حال حاضر موانع فنی در صنعت فولاد کشور وجود ندارد.

## ۶. نتایج تحقیق و محاسبه معادل‌های تعرفه‌ای

همان‌طور که از فرمول محاسبه معادل تعرفه‌ای مشخص است برای انجام محاسبات به اطلاعات سه متغیر قیمت داخلی، قیمت خارجی و نرخ ارز نیاز است. با توجه به تهیه هر سه دسته این اطلاعات، محاسبه معادل‌های تعرفه‌ای برای ردیف‌های ۷۲۰۶، ۷۲۰۷، ۷۲۰۸، ۷۲۰۹، ۷۲۱۳ و ۷۲۱۶ انجام شده است. در ادامه، نتایج حاصل برای ردیف‌های مذکور ارائه می‌شود.

### ۶-۱. شمش فولاد (کد ۷۲۰۶)

بررسی معادل تعرفه‌ای شمش فولاد در طول دوره (جدول ۵) نشان می‌دهد از سال ۱۳۷۹ به بعد حمایت از این محصول همراه با نوسانات اندکی مثبت بوده است. روند حمایت مثبت از سال ۱۳۸۵ فقط افزایشی بوده و در سال ۱۳۸۷ به اوج خود یعنی ۶۱ درصد رسیده است. متوسط معادل تعرفه‌ای این دوره زمانی ۲۷ درصد بوده و حداقل حمایت تجاری از آن، منفی ۴۳ درصد در سال ۱۳۷۸ و حداکثر آن ۶۱ درصد در سال ۱۳۸۷ بوده است. بهبود معادل تعرفه‌ای هر محصول رابطه مستقیمی با شاخص قیمت عمده‌فروشی آن محصول دارد و با افزایش قیمت عمده‌فروشی داخلی، معادل تعرفه‌ای واردات آن نیز افزایش می‌یابد.

بررسی قیمت عمده‌فروشی شمش در طی دوره حاکی از آن است که روند قیمتی محصول همواره رو به افزایش بوده است. بنابراین، انتظار می‌رود روند قیمت‌های داخلی به بهبود معادل تعرفه‌ای شمش منجر شود. با این حال باید توجه کرد به غیر از قیمت عمده‌فروشی عوامل دیگری نیز در تعیین معادل تعرفه‌ای دخیل‌اند:

رابطه‌ای معکوس بین قیمت سیف وارداتی (به دلار) و معادل تعرفه‌ای اعمال‌شده بر واردات آن محصول وجود دارد. مشابه روند قیمت داخلی عمده‌فروشی شمش، قیمت سیف وارداتی نیز برآیندی رو به افزایش دارد؛ اما در طول دوره با نوساناتی مواجه شده است؛ به طوری که قیمت وارداتی سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳ با یکدیگر برابرند. به عبارت دیگر، این نوسان قیمت وارداتی در طول اجرای برنامه سوم توسعه اتفاق افتاده، اما از سال ۱۳۸۳ افزایش قیمت وارداتی مجدداً شکل افزایشی به خود گرفته و در سال ۱۳۸۷ به ۰/۷۳ دلار رسیده است.

علاوه بر دو عامل قیمت داخلی عمده‌فروشی و قیمت سیف وارداتی، عامل سومی نیز در تعیین معادل تعرفه‌ای محصول مؤثر است. این عامل نرخ ارز است. با تضعیف ارزش خارجی پول ملی، معادل تعرفه‌ای تغییر می‌یابد. مشاهده می‌شود که در این دوره نرخ ارز از ۴۷۸۲ ریال به ۹۹۷۸ ریال رسیده است.

در مجموع، روند افزایشی نرخ ارز و قیمت سیف وارداتی در بیش‌تر سال‌ها به مراتب کم‌تر از روند افزایش قیمت عمده‌فروشی داخلی بوده است. این امر در بیش‌تر سال‌ها موجب مثبت شدن حمایت تجاری از این محصول شده است.

بررسی نرخ رشد سالانه معادل تعرفه‌ای ارزشی شمش فولاد بیانگر آن است که میزان حمایت از این محصول از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ سالانه ۱/۹۱ رشد داشته است. در این میان، قیمت داخلی با نرخ رشد سالانه ۱۴/۷۵ درصد در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۷۹، بیش‌ترین تأثیر را بر افزایش حمایت تجاری این محصول داشته است و پس از آن، قیمت وارداتی با نرخ رشد سالانه ۱۲/۲ درصد در همین دوره موجب کاهش حمایت تجاری این محصول شده است. نرخ ارز با نرخ رشد سالانه ۱/۵۹ درصد کم‌ترین تأثیر را بر حمایت تجاری شمش فولاد داشته است.

معادل تعرفه‌ای ویژه شمش فولاد نیز در دوره اجرای برنامه سوم توسعه به کندی افزایش

می‌یابد، اما از سال ۱۳۸۳ روند افزایشی آن تسریع شده و در سال ۱۳۸۷ به حداکثر خود یعنی ۴۲۸۰ ریال به ازای یک کیلوگرم می‌رسد.

### ۲-۶. اسلب و بیلت (کد ۷۲۰۷)

بررسی معادل تعرفه‌ای اسلب و بیلت در دوره مذکور (مطابق جدول ۵) نشان می‌دهد حمایت از این محصول از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ همراه با نوسانات اندکی مثبت و رو به افزایش بوده است. روند حمایت مثبت از سال ۱۳۸۴ کاهش یافته و حتی در سال ۱۳۸۵ شکلی منفی به خود می‌گیرد؛ اما در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ دوباره مشمول حمایت تجاری می‌شود. متوسط معادل تعرفه‌ای اسلب و بیلت در این دوره ۱۱ درصد بوده است. حمایت تجاری این محصول در طی دوره، حداقل منفی ۵۴ درصد در سال ۱۳۷۸ و حداکثر ۶۴ درصد در سال ۱۳۸۴ بوده است. بررسی قیمت عمده‌فروشی اسلب و بیلت در دوره حاکی از آن است که قیمت محصول همواره روندی رو به افزایش داشته است. بنابراین، از روند قیمت‌های داخلی انتظار می‌رود که معادل تعرفه‌ای بهبود یابد. برخلاف روند قیمت داخلی عمده‌فروشی، قیمت سیف وارداتی تا سال ۱۳۸۰ روندی رو به کاهش داشته و از آن پس افزایش یافته است؛ به طوری که قیمت سیف وارداتی در سال ۱۳۸۵ (۰/۶۷) اندکی بیش از قیمت سال ۱۳۷۸ (۰/۶۲) بوده است. این نوسان قیمت وارداتی در طول اجرای برنامه سوم توسعه اتفاق افتاده است.

بر اساس محاسبات، نرخ رشد سالانه معادل تعرفه‌ای ارزشی اسلب و بیلت در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۷۹ منفی است. به عبارت بهتر، حمایت تجاری از آن در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۷۹ کاهش یافته است؛ زیرا، نرخ رشد سالانه قیمت وارداتی که بر حمایت تجاری تأثیر معکوس دارد، با اختلاف اندکی، از نرخ رشد سالانه قیمت داخلی بیش‌تر است. همچنین، نرخ ارز نیز با نرخ رشدی سالانه معادل ۱/۵۹ درصد کم‌ترین تأثیر را در بهبود حمایت تجاری داشته است. بررسی معادل تعرفه‌ای ویژه از اسلب و بیلت نیز بیانگر افزایش حمایت در دوره اجرای برنامه سوم توسعه و کاهش آن در برنامه چهارم است.

### ۳-۶. ورق گرم (کد ۷۲۰۸)

بررسی معادل تعرفه‌ای ورق گرم در دوره (مطابق جدول ۵) حاکی از آن است که

متاسفانه در اکثر سال‌ها حمایت از آن منفی بوده است؛ به طوری که معادل تعرفه‌ای این محصول در سال ۱۳۷۶، معادل ۵/۶۹- و در سال ۱۳۸۸ این رقم به ۱۵/۳۲- رسیده و تنها دوره زمانی‌ای که حمایت تجاری از این محصول صورت گرفته است مربوط به سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ - یعنی دوره اجرای برنامه سوم توسعه - بوده است که معادل تعرفه‌ای از ۱۶/۳۹ به ۲۸/۰۳ رسیده است؛ اما از سال ۱۳۸۴ این حمایت دوباره شکل منفی به خود گرفته و از ۳/۰۶- در سال ۱۳۸۴ با روندی نزولی به ۱۵/۳۲- در سال ۱۳۸۸ رسیده است. متوسط معادل تعرفه‌ای در این دوره برابر ۱/۴۷ درصد بوده است. حداقل حمایت تجاری از این محصول در دوره، ۳۰/۷۲- در سال ۱۳۷۷ و حداکثر آن ۳۵ درصد در سال ۱۳۸۰ بوده است. بررسی قیمت عمده‌فروشی ورق گرم در این دوره نشان می‌دهد روند قیمتی آن جز در سال ۱۳۸۸ (که از ۷۵۲۹ ریال در هر کیلوگرم در سال ۱۳۸۷ به ۵۳۵۲ ریال در سال ۱۳۸۸ رسیده است) همواره رو به افزایش بوده است. بنابراین، از روند قیمت‌های داخلی انتظار می‌رود، معادل تعرفه‌ای آن بهبود یابد.

مشابه روند قیمت داخلی عمده‌فروشی ورق گرم، قیمت سیف وارداتی محصول به جز سال ۱۳۸۸ و دوره زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱، روندی رو به افزایش داشته است که در حمایت تجاری مثبت دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ بی‌تأثیر نبوده است. قیمت سیف وارداتی ورق گرم از ۰/۳۷ دلار در سال ۱۳۷۶ به ۰/۸۶ دلار در سال ۱۳۸۷ رسیده است.

در مجموع، روند افزایشی نرخ ارز و قیمت سیف وارداتی در بیش‌تر سال‌ها بیش‌تر از روند افزایش قیمت عمده‌فروشی داخلی بوده است. این امر موجب منفی شدن حمایت تجاری از این محصول در بیش‌تر سال‌ها شده است.

#### ۴-۶. ورق سرد (کد ۷۲۰۹)

بررسی معادل تعرفه‌ای ورق سرد در این دوره (مطابق جدول ۵) نشان می‌دهد به جز سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸، حمایت تجاری از آن منفی است. البته این حمایت منفی در طی دوره روندی رو به کاهش داشته است؛ به طوری که معادل تعرفه‌ای آن از ۳۸/۱۸- درصد در سال ۱۳۷۶ به ۰/۱۶ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است. همچنین، متوسط معادل تعرفه‌ای ورق سرد در این دوره ۱۲ ساله، ۱۳/۲- بوده است. حداقل حمایت تجاری از آن

برابر ۴۹,۹۳- درصد در سال ۱۳۷۷ و حداکثر آن ۱۰,۷۱ درصد در سال ۱۳۸۳ بوده است. بررسی قیمت عمده‌فروشی ورق سرد در این دوره نشان می‌دهد روند قیمتی محصول به‌جز سال ۱۳۸۸ و دوره زمانی کوتاهی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱، همواره رو به افزایش بوده است. بنابراین، از روند قیمت‌های داخلی انتظار می‌رود، معادل تعرفه‌ای آن بهبود یابد. باید توجه کرد عوامل دیگری به‌غیر از قیمت عمده‌فروشی نیز در تعیین معادل تعرفه‌ای دخیل‌اند:

رابطه‌ای معکوس میان قیمت سیف وارداتی (به دلار) و معادل تعرفه‌ای اعمال‌شده بر واردات آن محصول وجود دارد. مشابه روند قیمت داخلی عمده‌فروشی ورق سرد، قیمت سیف وارداتی آن نیز روندی رو به افزایش داشته است. البته این روند از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۱ شکلی نزولی به‌خود گرفته و از سال ۱۳۸۲ دوباره افزایش یافته است. قیمت سیف وارداتی ورق سرد از ۰/۵۷ دلار در سال ۱۳۷۶ به ۰/۶۷ دلار در سال ۱۳۸۸ رسیده است. علاوه بر دو عامل قیمت داخلی عمده‌فروشی و قیمت سیف، وارداتی عامل سومی نیز در تعیین معادل تعرفه‌ای محصول مؤثر است که نرخ ارز نامیده می‌شود. با تضعیف ارزش خارجی پول ملی، معادل تعرفه‌ای بهبود یافته و مشاهده می‌شود نرخ ارز در دوره مورد بررسی از ۴۷۸۲ ریال به ۹۹۷۸ ریال رسیده است.

در مجموع، روند افزایشی قیمت سیف وارداتی در بیشتر سال‌ها بیش‌تر از روند افزایش قیمت عمده‌فروشی داخلی بوده است. این امر موجب منفی‌شدن حمایت تجاری این محصول در بیشتر سال‌ها شده است.

معادل تعرفه‌ای ارزشی ورق سرد تنها در سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ مثبت بوده است. از آنجا که این سه سال نیز متوالی نیستند، مشخص نیست در سال‌های آینده حمایت تجاری مثبتی از این محصول صورت گیرد؛ به‌ویژه این که رقم حمایت تجاری در سال ۱۳۸۸ از سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ نیز کم‌تر بوده است.

#### ۴-۶. میلگرد (کد ۷۲۱۳)

بررسی معادل تعرفه‌ای میلگرد در طول دوره (مطابق جدول ۵) بیانگر افزایش حمایت تجاری از آن - البته با نوسانات متعدد- است. البته از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۰ حمایت

تجاری میلگرد هموار عددی منفی (اما رو به افزایش) بوده است. این حمایت از سال ۱۳۸۱ شکل مثبت و افزایشی داشته و در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ دوباره رقمی منفی به خود اختصاص داده است. متوسط معادل تعرفه‌ای در طول دوره از میلگرد ۵/۹- بوده است. حداقل حمایت تجاری از آن در ۵۹/۴۳- در سال ۱۳۷۷ و حداکثر آن ۳۰/۳۶ درصد در سال ۱۳۸۶ بوده است. بررسی قیمت عمده‌فروشی میلگرد در دوره نشان می‌دهد روند قیمتی محصول با نوساناتی اندک و قابل چشم‌پوشی همواره رو به افزایش بوده و از ۱۱۴۷ ریال در سال ۱۳۷۶ به ۵۸۹۴ ریال در سال ۱۳۸۸ رسیده است.

رابطه‌ای معکوس بین قیمت سیف وارداتی (به دلار) و معادل تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات آن محصول وجود دارد. مشابه روند قیمت داخلی عمده‌فروشی، قیمت سیف وارداتی محصول نیز روندی افزایشی داشته است. البته این روند افزایشی مانند افزایش قیمت عمده‌فروشی از شیبی تند و شکلی سریع برخوردار نیست؛ به طوری که قیمت سیف وارداتی میلگرد در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۶ برابر ۰/۴۶ دلار بوده است. قیمت سیف وارداتی از ۰/۴۶ دلار در سال ۱۳۷۶ به ۰/۵۵ دلار در سال ۱۳۸۸ رسیده است. علاوه بر دو عامل قیمت داخلی عمده‌فروشی و قیمت سیف وارداتی، عامل سومی نیز در تعیین معادل تعرفه‌ای محصول مؤثر است که با تضعیف ارزش خارجی پول ملی، معادل تعرفه‌ای بهبود می‌یابد.

محاسبه نرخ رشد سالانه معادل تعرفه‌ای ارزشی میلگرد از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۸ بیانگر کاهش حمایت تجاری این محصول معادل ۱۱/۲۲ درصد در سال است. به عبارت دیگر، نرخ رشد سالانه قیمت وارداتی محصول با ۱/۳۹ درصد، بیش‌ترین تأثیر را در کاهش حمایت تجاری این محصول داشته است.

#### ۵-۶. تیرآهن (کد ۷۲۱۶)

بررسی معادل تعرفه‌ای تیرآهن در این دوره، بیانگر آن است که حمایت تجاری تیرآهن روندی رو به افزایش داشته است. البته این حمایت تا سال ۱۳۸۰ منفی بوده، اما از سال ۱۳۸۱ مثبت شده و با نوسان رو به افزایش است (به جز سال ۱۳۸۴ با رقم منفی ۱۴/۶۲-). همچنین، متوسط معادل تعرفه‌ای دوره برابر ۰/۷۲- درصد بوده است. حداقل حمایت تجاری از آن به میزان ۴۸/۵۸- درصد در سال ۱۳۷۷ و حداکثر ۳۶/۷۶ درصد در سال ۱۳۸۵ بوده است.

جدول ۵- محاسبه معادل‌های تعرفه‌های محصولات فولادی منتخب

شرح و کد	تعرفه (درصد)		معادل تعرفه‌ای ارزشی با ارز غیر رسمی (درصد)		رشد سلاسه	معادل تعرفه‌ای ویژه با ارز غیر رسمی (ریال / کیلوگرم)	
	۱۳۷۶	۱۳۸۸	حد اکثر	حد اقل		حد اقل	حد اکثر
شمش فولاد (۷۲۰۶)	-	۴	۶۱/۰۵	-۴۳/۳۷	۱/۹۱	۴۷۸۰	-۱۵۶۵/
اسلب و بیلت (۷۲۰۷)	-	۴	۶۱/۰۵	-۲۰/۴۷	-۱۶/۲۳	۱۹۷	-۲۹۴۲/
ورق گرم (۷۲۰۸)	۲	۴	۴۰/۲	-۴۸/۲۷	٪	۴۳۷	-۹۶۸
ورق سرد (۷۲۰۹)	۲	۴	۳۵	-۱۵/۳۱	٪	۷۲	-۹۶۸
میلگرد (۷۲۱۳)	۱۲	۱۵،۱۰	۱۰/۷۱	-۳۸/۱۸	٪	۱۱	-۱۸۳۲
تیر آهن (۷۲۱۶)	۱۲	۱۰،۴	۳۰/۳۶	-۴۷/۷۱	٪	۳	-۱۷۱۱
			۳۶/۷۶	-۴۸/۵۸	۲/۷۸	۱۵۳۴	-۱۲۰۹

منابع: سالنامه آمار بازرگانی خارجی کشور (۱۳۸۸).

مقررات صادرات و واردات (۱۳۸۹).

محاسبات پژوهش.

بررسی قیمت عمده‌فروشی تیرآهن در دوره زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ نشان می‌دهد روند قیمتی محصول همواره رو به افزایش بوده و مشابه سایر محصولات فقط در سال ۱۳۸۸ با کاهشی نسبی مواجه شده است.

رابطه‌ای معکوس بین قیمت سیف وارداتی (به دلار) و معادل تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات آن محصول وجود دارد. مشابه روند قیمت داخلی عمده‌فروشی، قیمت سیف وارداتی محصول نیز روندی افزایشی داشته است. جالب آن که محصول تیرآهن نیز مشابه میلگرد در دوره زمانی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ در قسمت انحنای پایینی منحنی قیمت سیف وارداتی قرار دارد؛ به طوری که قیمت سیف وارداتی میلگرد در سال ۱۳۷۷، ۰/۳۸ دلار و در سال ۱۳۸۳ برابر ۰/۴۴ دلار بوده است. قیمت سیف وارداتی از ۰/۳۷ دلار در سال ۱۳۷۶ به ۰/۵۲ دلار در سال ۱۳۸۸ رسیده است.

در دوره ۱۳۸۱-۱۳۸۸، معادل تعرفه‌ای ارزشی تیرآهن سالانه رشدی ۲/۷۸ درصدی داشته و قیمت داخلی با نرخ رشد سالانه ۱۰/۲۳ درصد در این دوره بیش‌ترین تأثیر را بر افزایش حمایت تجاری این محصول داشته است.

## جمع‌بندی و ملاحظات

بر اساس نتایج تحقیق، به جز محصول شمش و تیرآهن، حمایت تجاری سایر محصولات در طول دوره رو به کاهش است. متوسط معادل‌های تعرفه‌ای دامنه‌ای گسترده از ۱۳- تا ۲۷ درصد را در بر می‌گیرد. حداقل حمایت تجاری تمام محصولات مربوط به سال ۱۳۷۷ یا سال ۱۳۷۸ است و حداکثر حمایت تجاری از محصولات مختلف در دهه ۸۰ اتفاق افتاده است. قیمت داخلی تمام موارد، روندی افزایشی داشته و تقریباً در تمام موارد روند قیمت سیف وارداتی افزایشی بوده است؛ اما نکته جالب در مورد همه محصولات آن است که سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳، دوره نوسان قیمت سیف وارداتی آن‌ها بوده است (خلاصه نتایج مطالعه در جدول ۶ آورده شده است).

شمش فولاد (۷۲۰۶): میزان حمایت از این محصول از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۷، سالانه ۱/۹۱ رشد داشته است. قیمت داخلی با نرخ رشد سالانه ۱۴/۷۵ درصد بیش‌ترین تأثیر را بر افزایش حمایت تجاری داشته است.



اسلب و بیلت (۷۲۰۷): نرخ رشد سالانه معادل تعرفه‌ای ارزشی اسلب و بیلت در دوره ۱۳۸۷-۱۳۷۹ منفی است؛ زیرا نرخ رشد سالانه قیمت وارداتی که تأثیر معکوسی بر حمایت تجاری دارد، با اختلاف اندکی از نرخ رشد سالانه قیمت داخلی بیش تر است.

ورق گرم و سرد (۷۲۰۸ و ۷۲۰۹): از آنجا که معادل تعرفه‌ای ارزشی این دو محصول در سال‌های اخیر منفی بوده و میزان حمایت تجاری آن رو به کاهش است، محاسبه نرخ رشد سالانه برای آن امکانپذیر نیست.

میلگرد (۷۲۱۳): کاهش حمایت تجاری این محصول معادل ۱۱/۲۲ درصد در سال دارد. نرخ رشد سالانه قیمت وارداتی محصول با ۱/۳۹ درصد، بیش‌ترین تأثیر را در کاهش حمایت تجاری این محصول داشته است.

تیر آهن (۷۲۱۶): در دوره ۱۳۸۸-۱۳۸۱، معادل تعرفه‌ای ارزشی تیر آهن سالانه ۲/۷۸ درصد رشد داشته است. قیمت داخلی با نرخ رشدی سالانه ۱۰/۲۳ درصد، بیش‌ترین تأثیر را بر افزایش حمایت تجاری از این محصول گذاشته است.

بنابراین، از آنجا که نتایج در زمینه‌های گوناگونی چون حمایت تجاری، قیمت داخلی و قیمت وارداتی برای همه محصولات تکرار شده، می‌توان نتایج به‌دست آمده در این مطالعه را به سایر محصولات زنجیره فولاد نیز تعمیم داد.

با توجه به اطلاعات کسب‌شده، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای‌شان مثبت و بیش از تعرفه اسمی است، نرخ تعرفه وارداتی همان نرخ تعرفه معادل محاسباتی واردات شمش (۶۱/۰۵)، اسلب و بیلت (۴/۰۲)، ورق گرم (۱۵/۳۱) و تیر آهن (۱۹/۶۸) در نظر گرفته شود. برای محصولاتی که معادل تعرفه‌ای‌شان مثبت، اما کم‌تر از کل تعرفه اسمی است (که در واقع برای این محصولات موانع تجاری غیر تعرفه‌ای نقش حمایتی ندارد)، نرخ تعرفه وارداتی همان نرخ تعرفه اسمی ورق سرد (۴ و ۱۰) و میلگرد (۱۵ و ۱۰) در نظر گرفته شود.

- به مسئولان توصیه می‌شود متوجه اثرات سوء اتخاذ سیاست‌های کوتاه‌مدت و ناگهانی برای رفع مشکلات و چالش‌های بازار باشند و برای ساماندهی صنعت از برنامه‌ریزی‌ها و استراتژی‌های بلندمدت استفاده کنند.

جدول ۶- خلاصه نتایج محاسبه معادله‌های تعرفه‌ای محصولات فولادی مورد مطالعه

کد	شرح کد	حمایت تجاری	متوسط	حداقل	حداکثر	قیمت داخلی	قیمت سیف وارداتی
۷۲۰۶	آهن و فولاد به شکل شمش	از سال ۱۳۷۹ به بعد مثبت.	۲۷	۴۳- در ۱۳۷۸	۶۱ در ۱۳۸۷	همواره رو به افزایش	رو به افزایش با نوساناتی، قیمت در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳ برابرند.
۷۲۰۷	اسلب و پلت	از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ مثبت و رو به افزایش، از سال ۱۳۸۴ کاهش و در سال ۱۳۸۵ شکل منفی است. اما در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ مجدداً مثبت است.	۱۱	۵۴- در ۱۳۷۸	۶۴ در ۱۳۸۴	همواره رو به افزایش	تا سال ۱۳۸۰ رو به کاهش و از آن پس رو به افزایش.
۷۲۰۸	ورق گرم	در اکثر سال‌ها حمایت منفی، از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۳ حمایت مثبت، از سال ۱۳۸۴ مجدداً حمایت منفی.	۱/۴۷	۳۰/۷۲- در ۱۳۷۷	۳۵ در ۱۳۸۰	رو به افزایش	رو به افزایش به جز سال ۱۳۷۸ و دوره زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱.
۷۲۰۹	ورق سرد	به جز سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ حمایت تجاری از این محصول منفی است.	۱۳/۲-	۴۹/۹۳- در ۱۳۷۷	۱۰/۷۱ در ۱۳۸۳	رو به افزایش	رو به افزایش، در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ شکلی نزولی، از سال ۱۳۸۲ مجدداً رو به افزایش.
۷۲۱۳	میگرد	افزایش حمایت تجاری با نوسانات متعدد، از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۰ حمایت منفی (اما رو به افزایش)، از سال ۱۳۸۱ حمایت مثبت و افزایشی.	۵/۹-	۵۹/۴۳- در ۱۳۷۷	۳۰/۳۶ در ۱۳۸۶	رو به افزایش	رو به افزایش، از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۴ در نوسان.
۷۲۱۶	پروفیل، تیر آهن، نبشی	رو به افزایش، تا سال ۱۳۸۰ حمایت منفی، از سال ۱۳۸۱ مثبت و با نوسان رو به افزایش	۰/۷۲-	۴۸/۵۸- در ۱۳۷۷	۳۶/۷۶ در ۱۳۸۵	همواره رو به افزایش	رو به افزایش، از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۳ در نوسان.

منبع: مطالعات پژوهش.

- با توجه به موقعیت اقتصاد ملی، پیش‌بینی می‌شود نیاز بازار داخلی به محصولات فولادی - به ویژه انواع ورق، میلگرد و تیرآهن - افزایش یابد، بنابراین، مقتضی است از طریق افزایش ظرفیت تولید، وابستگی به واردات کاهش یابد.
- نهادی جهت کنترل و نظارت بر رعایت استانداردهای فنی تعیین شده از سوی مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی مربوط به محصولات فولادی تأسیس شده و محصولات فولادی وارداتی و داخلی ارزیابی شود.
- یکسان‌سازی دسته‌بندی و کدگذاری محصولات فولادی: در حال حاضر براساس کتاب مقررات صادرات و واردات، محصولات فولادی شامل ۲۹ ردیف تعرفه چهاررقمی هستند که هر یک از ردیف‌های چهاررقمی، مجموعه‌ای از ردیف‌های شش و هشت‌رقمی را در بر می‌گیرند. در شرایط فعلی، اطلاعات ارزش و وزن هر کدام از محصولات وارداتی فولادی به تفکیک کدهای هشت‌رقمی، هر ساله در سالنامه آماری منتشر می‌شود. بنابراین، در صورت وجود اطلاعات قیمت داخلی برای هر یک از آنها، امکان محاسبه معادل‌های تعرفه‌ای به تفکیک کدهای هشت‌رقمی میسر می‌شود. اطلاعات شاخص قیمت عمده‌فروشی داخلی، هر ساله از طریق بانک مرکزی قابل دسترس است. اما متأسفانه در حال حاضر اداره آمار بانک مرکزی دسته‌بندی ۲۴ ردیفه‌ای برای محصولات فولادی انجام داده که نه تنها کدهای شش و هشت‌رقمی، بلکه بسیاری از کدهای چهاررقمی را نیز در بر نمی‌گیرد. بنابراین، مقتضی است دسته‌بندی بانک مرکزی نیز براساس دسته‌بندی کتاب مقررات صادرات و واردات انجام شود.

## منابع

- اسفندیار امیدبخش و دیگران (۱۳۸۵)؛ سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- تاری، فتح‌الله (۱۳۸۸)؛ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاها و وارداتی)، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- حسینی، میرعبدالله (۱۳۸۳)؛ «سیاست تجاری کشاورزی ایران و تعیین معادل تعرفه‌ای واردات محصولات آن»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۲.
- خیابانی، ناصر (۱۳۸۶)؛ «تحلیل رفتار موانع غیر تعرفه‌ای و محاسبه حمایت مؤثر بر اساس رویکرد داده-ستانده (مورد ایران)»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی.
- دفتر صنایع فلزی (۱۳۸۸)؛ گزارش وضعیت فولاد در سال ۱۳۸۸، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان.
- روزنامه اطلاعات، 28 4\_ 97983\_ R\_101846/related/ (۱۳۸۹).  
 سازمان توسعه تجارت، مقررات صادرات و واردات، شرکت چاپ و نشر بازرگانی (۱۳۸۹) - (۱۳۷۶).
- شرکت چاپ و نشر بازرگانی (۱۳۸۹)؛ مقررات صادرات و واردات.
- شفیعی، سعید (۱۳۸۷)؛ «پنج خطای راهبردی در حفظ سطوح تعرفه‌های محصولات فولادی»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۷۱۵.
- کمیجانی، اکبر (۱۳۸۰)؛ مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸)؛ سالنامه آمار بازرگانی خارجی کشور.
- Baldwin, R. E. (1970); *Nontariff Distortions of International Trade*, Washington, The Brooking Institution.
- Deardorff, A.V. (1999): "Non- Tariffs Barriers and Domestic Regulation", *A Lecture at the World Bank*, pp: 1-27.
- Hillman, J. S. (1991); *Technical Barriers to Agricultural Trade*, West View Press.
- <http://www.intracen.org>. 2010.

- Ingco, M.D. (2201); "Tariffication in the Uruguay Round: How Much Liberalization?", *World Economy*, vol.19
- Krueger, A. (1988); *Foreign Trade Regimes and Economic Development*, Cambridge, MA: Ballinger.
- Leamer, Edward (1988); *Measures of Openness in Trade Policy Issues and Empirical Analysis*, Robert Baldwin ed., Chicago: University of Chicago press.
- Moschini, G. (1991); *Economic Issues in Tariffication: An Overview*, GATT Research Paper 90-GATT4, pp. 1-27
- P. Low and A. Yeats (1995): "Nontariff Measures and Developing Countries; Has the Uruguay Round Leveled the Plying Field", *World Economy*, vol. 18, no. 1.
- Sumner, D. A. (1992); *The Economic Underpinnings of Uruguay Round Proposals, Improving Agricultural Trade Performance under the GATT* (Wissenschafts verlag vauk kiel KG).
- Walter, I. (1992); "Non Tariff Protection among Countries: Some Preliminary Empirical Evidence", *Economic International*, vol. 25.
- World Bank (1999); *World Development Report*, Oxford University Press.